

## مدل یابی رضایت مندی زناشویی بر پایه سبک های دلبستگی و جهت گیری مذهبی

مهدی شاهنظری<sup>1</sup>

تاریخ دریافت: خرداد ماه 1391

تاریخ پذیرش: دی ماه 1391

### چکیده:

از آن جا که تاثیر عوامل متعددی از جمله سبک های دلبستگی و جهت گیری مذهبی زوجین (هریک به طور جداگانه) در ثبات و نتیجه ازدواج به اثبات رسیده است، به نظر می رسد جمع بندی میزان تاثیر هر یک از این متغیرها و تعامل آنها با یکدیگر ما را در رسیدن به درک بهتری از این پدیده یاری نماید. روش: تعداد 500 نفر از افراد متاهل تهران، با نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و پس از دریافت توضیح کوتاهی در رابطه با پژوهش و اخذ توافق پرسشنامه های مقیاس سبک های دلبستگی بزرگسالان (RASS، 1996)، جهت گیری مذهبی آلپورت (آلپورت و راس، 1950) و رضایت مندی زناشویی انریچ (اولسون، فورنیر، و دراکمن، 1982) را تکمیل نمودند. یافته ها: تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد که به غیر از سبک دلبستگی اجتنابی که به طور مستقیم و منفی ( $-0/28 = 47$ ) بر رضایت مندی زناشویی تأثیر دارد، سایر سبک های

---

<sup>1</sup> دکترای روانشناسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

<sup>2</sup> Olson

<sup>3</sup> Fournier

دل بستگی به طور مستقیم با رضایت زناشویی ارتباط ندارند. سبک دل بستگی اجتنابی از طریق متغیر میانجی جهت گیری مذهبی بیرونی نیز می تواند رضایت مندی زناشویی را تبیین کند ( $0/35 = 20 = 1\beta/4\gamma$ ،  $0 = -$ ). بدین ترتیب هر چه سبک دل بستگی افراد بیشتر اجتنابی باشد، جهت گیری دینی آن ها بیرونی تر و رضایت مندی زناشویی در آنان کم تر خواهد بود. همچنین نتایج نشان داد که سبک دل بستگی ایمن تنها از طریق متغیر میانجی جهت گیری درونی بر رضایت مندی زناشویی تأثیر دارد ( $0/15 = - 11 = 1\beta/1\gamma$ ،  $0 =$ ). بدین ترتیب که با افزایش سبک دل بستگی ایمن، جهت گیری مذهبی افراد بیشتر شده و از این طریق رضایت مندی زناشویی آن ها افزایش می یابد. رابطه رضایت مندی زناشویی با جهت گیری مذهبی بیرونی منفی ( $0/20 = -1\beta$ ) و با جهت گیری مذهبی درونی مثبت ( $0/20 = 1\beta$ ) به دست آمد. با افزایش جهت گیری مذهبی درونی رضایت مندی زناشویی افزایش و با افزایش جهت گیری مذهبی بیرونی رضایت مندی زناشویی کاهش می یابد. تجزیه و تحلیل داده ها بیان گر این مطلب بود که مقدار مجذور همبستگی چندگانه ( $R^2$ ) برای مدل مورد مطالعه نسبتاً اندک و برابر با  $0/27$  است که نشان می دهد تقریباً 27 درصد واریانس رضایت مندی زناشویی بر پایه مدل پژوهش تبیین می گردد. نتیجه گیری: نقش جهت گیری مذهبی به عنوان متغیر میانجی سبک های دل بستگی و رضایت زناشویی، اهمیت سنجش این متغیر را به هنگام مطالعه این متغیرها و استفاده بالینی از این یافته ها آشکار می سازد.

**کلیدواژه ها:** رضایت مندی زناشویی، سبک های دل بستگی، جهت گیری مذهبی،

مدل یابی

## مقدمه:

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی و به واسطه قرار داشتن در یک محیط اجتماعی در ارتباطات تعاملی شامل روابط دوستی، عشقی و خانوادگی شرکت دارد (اوزترک و مالتو<sup>۱</sup>، 2010). در این میان، خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه یکی از عناصر اصلی جامعه محسوب می‌گردد و دست‌یابی به یک جامعه امن مستلزم داشتن خانواده‌های امن است. یک خانواده سالم اعضایی را شامل می‌شود که از سلامت روانی و روابط مطلوب با یکدیگر برخوردار هستند. بنابراین سلامت اعضای خانواده و روابط آن‌ها تاثیرات مثبتی بر جامعه خواهد داشت (شاکر، حشمتی و پوررحیمی<sup>۲</sup>، 2010).

از آنجایی که خانواده با ازدواج آغاز می‌شود و بنیان اصلی خانواده را زن و شوهر می‌سازند، بنابراین روابط بین آن‌ها بسیار مهم است. مهم‌ترین موضوع در ازدواج و شروع یک خانواده، آرامشی است که افراد از این رابطه به دست می‌آورند. ولی متأسفانه آمارها نشان داده‌اند که حدود دو سوم ازدواج‌ها در سطح جهان منجر به طلاق می‌شوند (لیتزی‌نگر و کوپ‌گاردن<sup>۳</sup>، 2005). با چنین نرخ بالایی از طلاق، تعجب‌آور نیست که بسیاری از محققان شدیداً به دنبال پاسخ‌دادن به سئوالاتی از این دست باشند که واقعاً چه چیزی موجب دوام و رضایت از ازدواج می‌شود؟

تحقیقات نشان داده‌اند که از عوامل مهم ایجادکننده بسیاری از بیماری‌ها و کژکاری‌های روانی می‌توان به ازدواج‌های متاثر از استرس و تعارضات مخرب زناشویی اشاره کرد، این در حالی است که موفقیت زناشویی با سلامت بیشتر و طول عمر بیشتر پیوند خورده است (لیتزی‌نگر و کوپ‌گاردن، 2005). لذا برای محققین تعیین عوامل اصلی

---

<sup>1</sup> Öztürk, A. & Multu

<sup>2</sup> Shaker, Heshmati & Poor Rahimi

<sup>3</sup> Litzinger & CoopGordan

مرتبط با اضمحلال زناشویی یا موفقیت زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است (لیتزی‌نگر و کوپ‌گاردن، 2005).

طبق تعریف ارائه شده توسط وینچ (به نقل از حسین‌خانزاده و نیازی<sup>1</sup>، 2011)، رضایت‌مندی زناشویی همخوانی بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. بدین ترتیب، رضایت زناشویی فقط زمانی به دست می‌آید که وضعیت جاری فرد در روابط زناشویی با آنچه که او توقع دارد، مطابقت داشته باشد. در تعریف دیگری به چندین جنبه از رضایت زناشویی اشاره می‌شود که می‌توان به مواردی مثل احساسات مثبت، رضایت جنسی، دوست‌داشتن، خانه‌داری، توافق در امور اقتصادی و تربیت فرزندان اشاره نمود (اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی، 1388). الیس<sup>2</sup> (به نقل از سلیمی و همکاران، 1387) رضایت زناشویی را نشأت گرفته از احساساتی می‌داند که با خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر در ارتباط باشد. همچنین از نظر فردی، تفکر نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد و بی‌تفاوتی طرفین به علائق و تفکرات یک‌دیگر موجب کاهش رضایت‌مندی زناشویی و ایجاد دلسردی می‌شود.

تحقیقات نشان داده‌اند که از عوامل مهم ایجادکننده بسیاری از بیماری‌ها و کژکاری‌های روانی می‌توان به ازدواج‌هایی که تحت استرس و تعارضات مخرب زناشویی می‌باشند اشاره کرد، این در حالی است که موفقیت زناشویی با سلامت بیش‌تر و طول عمر بیشتر پیوند خورده است (لیتزی‌نگر و کوپ‌گاردن، 2005). لذا برای محققین تعیین عوامل اصلی مرتبط با اضمحلال زناشویی یا موفقیت زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است (لیتزی‌نگر و کوپ‌گاردن، 2005).

<sup>1</sup> Hosseinkhanzadeh & Niyazi

<sup>2</sup> .Ellis

فینل<sup>۱</sup> (روزن گراندون<sup>۲</sup> و همکاران، 2004) گزارش کرده است که ویژگی های زندگی زناشویی کسانی که ازدواج طولانی مدت رضایت بخشی داشته اند از این قرار است: تعهد به ازدواج در طول زندگی، وفاداری به همسر، ارزشهای اخلاقی قدرتمند، احترام به همسر(زن) مثل یک دوست، تعهد و وفاداری جنسی، تمایل به والد خوب بودن، ایمان به خداوند و تعهد معنوی، تمایل به حمایت و خشنود ساختن همسر، مشارکت برابر، و میل به بخشیدن و بخشیده شدن .

شکرکن و همکاران (1385) با ارائه یک مدل نشان دادند که از روی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی می توان موفقیت یا شکست در رابطه زناشویی را پیش بینی نمود و بر اساس این مدل می توان یک الگوی پیش گیری از ازدواج های ناموفق و یا اصلاح نارسائی ها را در عملکرد زناشویی تدارک دید.

از عوامل مهمی که در سال های اخیر به آن توجه شده است و بر روی رضایت زناشویی تاثیر به سزائی دارد، سبک های دلبستگی است که نتیجه تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده اند به این پرسش پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می تواند روابط وی را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد (سیمپسون<sup>۳</sup> و همکاران، 1998).

بررسی های صورت گرفته در مورد ویژگی های افراد متعلق به سبک های مختلف دلبستگی و تاثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و رابطه با همسر مؤید آن است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی

---

<sup>1</sup> Finel

<sup>2</sup> Rosen- Grandon

<sup>3</sup> Simpson

در ازدواج هستند، به طوری که احساس آسودگی در روابط و فقدان ترس از طردشدن نشان‌دهنده دل‌بستگی ایمن است (رابین و اولین<sup>1</sup>، 1998).

وجود باورهای مذهبی نیز از جمله عوامل دیگری است که تاثیر به سزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به کل هستی هدف‌دار و دارای معنی بوده و عدم ایمان به خدا باعث نداشتن انسجام و آرامش در فرد می‌گردد که این امر موجب ضعف و منشاء اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود (سالاری‌فر، 1379). در واقع، تعالیم و باورهای دینی می‌توانند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتر هدایت کنند (نیکوی و سیف، 1384).

بررسی‌های متعدد انجام‌شده در زمینه رابطه بین مذهب و رضایت‌مندی زناشویی، حاکی از وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر است. تحقیقات نشان داده‌اند، افرادی که به مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند، مذهب را به عنوان مهم‌ترین عامل رضایت‌مندی زناشویی تلقی می‌کنند (ادالتی و ردزان<sup>2</sup>، 2010). علاوه بر این مشخص شده که مذهب بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی است (هنینگزگارد و آرنو<sup>3</sup>، 2008).

باتوجه به آنچه مطرح شد، مشخص می‌شود که سلامت افراد جامعه در تمام ابعاد جسمانی، عاطفی و روانی و همچنین ثبات و پایایی خانواده که اولین سنگ بنای جامعه محسوب می‌گردد و سلامت آن متضمن سلامت جامعه است، در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج است و این امر از وجود رضایت‌مندی زناشویی حاصل می‌شود. در واقع رضای یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب شده و رضایت از خانواده در رضایت از زندگی نقش عمده و اساسی دارد و منجر

<sup>1</sup> Robyn & Evelyn

<sup>2</sup> Edalati, & Redzuaun

<sup>3</sup> Henningsgard, J. M. & Arnau

به تسهیل امر رشد و تعالی، و پیشرفت مادی و معنوی فرد و در نهایت جامعه خواهد شد. در این راستا شناخت عوامل موثر در رضایت مندی زناشویی برای دست یابی هرچه بیش تر به آن و ارائه یک مدل کارآمد و علمی در این خصوص می تواند بسیار مفید و راهگشا باشد.

با عنایت به توضیحات مختصری که در خصوص متغیرهای مورد پژوهش و روابط آنها عنوان گردید، درمی یابیم که سبک های دلبستگی می توانند بستری برای شکل گیری جهت گیری مذهبی فراهم کنند و این متغیرها هم به طور مستقیم و هم به واسطه یک دیگر در شکل گیری رضایت مندی زناشویی ایفای نقش کنند.

بدین ترتیب در پژوهش حاضر به بررسی روابط موجود بین این متغیرها در جامعه پژوهش مدنظر و تدوین یک مدل برای رضایت مندی زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و جهت گیری مذهبی زوجین پرداخته شد.

## روش :

این تحقیق از لحاظ هدف یک پژوهش بنیادی و از لحاظ روش یک تحقیق همبستگی است و هدف عمده و اساسی آن افزایش حیطه دانش و آگاهی است و تاکید بر مطالعه ارتباط درونی متغیرهاست. طرح این پژوهش، همبستگی از نوع مدل سازی معادلات ساختاری است. مدل معادلات ساختاری یکی از تکنیک های تحلیل چندمتغیری است. در این پژوهش الگوهای اندازه گیری (نشانگرهای) هر یک از سازه های پنهان (متغیرهای مکنون) تعریف شده و هر یک از فرضیه ها، یک مدل نظری را در مورد روابط علی بین سازه ها مطرح می سازد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متاهل دارای تحصیلات بالای دیپلم ساکن شهر تهران بود که از میان آنها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای، تعداد 500 نفر انتخاب شد. علت انتخاب این تعداد حجم نمونه این است که مطابق با پیشنهاد لیندمن، مرندا و گلد (1980؛ به نقل از هومن 1385)، حجم گروه نمونه

در مطالعات رگرسیون و همبستگی دست کم باید 100 نفر باشد. از آنجایی که در مطالعه حاضر روابط متعددی اعم از مستقیم و غیرمستقیم مدنظر قرار داشت و هم‌چنین جهت افزایش اعتبار بیرونی تحقیق و کاهش عوامل مزاحم، حجم نمونه وسیع‌تر در نظر گرفته شد و تعداد 500 نفر به عنوان حجم گروه نمونه انتخاب شدند.

### 1. مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (تجدید نظر شده)<sup>1</sup>:

در این پژوهش از مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (تجدید نظر شده) استفاده شد (کالینز و رید، 1990). این مقیاس ابتدا در سال 1990 توسط کالینز و رید تهیه شد و در سال 1996 مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می‌دهد، دارای 18 عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرتی 5 درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این پرسشنامه دارای سه زیرمقیاس است: وابستگی که میزان اطمینان و تکیه کردن به آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد، نزدیکی که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد و اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به هر یک از زیرمقیاس‌ها 6 عبارت اختصاص یافته است. زیرمقیاس نزدیکی عبارات: 1، 8، 9، 10، 14، 17، 18، 19، 20، 21، 22، 23، 24، 25، 26، 27، 28، 29، 30، 31، 32، 33، 34، 35، 36، 37، 38، 39، 40، 41، 42، 43، 44، 45، 46، 47، 48، 49، 50، 51، 52، 53، 54، 55، 56، 57، 58، 59، 60، 61، 62، 63، 64، 65، 66، 67، 68، 69، 70، 71، 72، 73، 74، 75، 76، 77، 78، 79، 80، 81، 82، 83، 84، 85، 86، 87، 88، 89، 90، 91، 92، 93، 94، 95، 96، 97، 98، 99، 100. زیرمقیاس اضطراب عبارات: 2، 5، 6، 11، 12، 13. در عبارات 2، 3، 4، 9، 10، 16، 17، و 18 نمره‌گذاری به صورت معکوس انجام می‌شود. برای به دست آوردن نمرات مربوط به هر زیرمقیاس، امتیاز عبارات مربوط به آن را با هم جمع کرده و بر تعداد عبارات (6) تقسیم می‌کنیم. آزمودنی‌ها بر اساس نتایج به دست آمده در یکی از سه گروه دارای سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی قرار می‌گیرند.

<sup>1</sup> RASS

<sup>2</sup> Collins & Read



سبک دلبستگی ایمن: افرادی که امتیاز آن‌ها در زیرمقیاس نزدیکی و وابستگی بالاتر از متوسط و در زیرمقیاس اضطراب کمتر از متوسط است.

سبک دلبستگی اضطرابی: افرادی که امتیاز آن‌ها در زیرمقیاس اضطراب بالاتر از متوسط و در زیرمقیاس‌های نزدیکی و وابستگی متوسط است.

سبک دلبستگی اجتنابی: افرادی که امتیاز آن‌ها در هر سه زیرمقیاس پایین است.

ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب 0/68، 0/71، و 0/52 گزارش شده است. کالینز و رید (1990) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیکی (C)، وابستگی (D)، اضطراب (A) در فاصله زمانی دو ماه و حتی هشت ماه پایدار ماندند. باتوجه به این که ضریب آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بزرگ‌تر از 0/80 است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده بالاست. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش بازآزمایی به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم 100 نفر آزمودنی با فاصله زمانی یک ماه نشان داد که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها معنادار نبوده و این آزمون در سطح 0/95 قابل اعتماد است. همبستگی بین نتایج دو اجرا نشان داد که زیرمقیاس A قابل اعتمادترین ( $r=0/75$ )، زیرمقیاس C در مرحله بعد ( $r=0/57$ ) و زیرمقیاس D کم‌ترین قابلیت اعتماد ( $r=0/28$ ) را دارد. با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص شد که زیرمقیاس A بیشترین قابلیت اعتماد (0/74) و وابستگی D (کمترین قابلیت اعتماد) (0/28) را دارد. قابلیت اعتماد C در حد متوسط (0/52) است که این نتایج با نتایج حاصل از بازآزمایی هم‌هنگ است (حمیدی، 1386).

## 2. پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت:

آلپورت و راس<sup>1</sup> (1950) این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند. در مطالعات اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری بیرونی با درونی 0/21 است. این آزمون دارای 21 سؤال است و پاسخ‌دهی به آن براساس مقیاس لیکرت چهارگزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم و نمره‌های از 1 تا 5 می‌باشد، عبارت بدون پاسخ نمره 3 می‌گیرند. عبارات 1 تا 12 جهت‌گیری مذهبی بیرونی و عبارات 13 تا 21 جهت‌گیری مذهبی درونی را می‌سنجند. نمره‌گذاری 9 ماده به صورت معکوس انجام می‌گیرد (26). این آزمون در سال 1987 ترجمه و هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن توسط جان بزرگی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0/71 و پایایی بازآزمایی آن 0/74 است (به نقل از، مختاری و همکاران، 1380). در پژوهش حاضر برای سنجش جهت‌گیری مذهبی مشارکت‌کنندگان از این پرسشنامه استفاده شد.

3. پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ<sup>2</sup>:

این پرسشنامه شامل مؤلفه‌های مختلفی از جمله: تحریف آرمان‌گرایانه، رضایت-زناشویی، زمینه‌های شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، فعالیت تفریحی، رابطه جنسی، خانواده و دوستان، مدیریت مالی، تساوی نقش‌ها، و گرایش‌های مذهبی می‌باشد. انریچ در سال ۱۹۸۲ توسط اولسون<sup>3</sup>، فورنیر<sup>4</sup>، و دراکن<sup>5</sup> ساخته شد و به عنوان پرسشنامه‌ای برای نشان دادن پویایی‌های زناشویی در تحقیقات گسترش یافت. این تست برای زوج‌های ازدواج

<sup>1</sup> Allport, G.W. & Ross

<sup>2</sup> ENRICH (Enriching & Nurturing Relationship Issues· Communication & happiness)

<sup>3</sup> Olson

<sup>4</sup> Fournier

<sup>5</sup> Druckman

کرده‌ای که نیاز به غنی سازی رابطه خود داشتند نیز مورد استفاده قرار گرفته است (بهاور نیا، ۱۳۸۸).

ودزیای (۱۹۹۷)، به منظور تعیین اعتبار ۲ و روایی انریچ، آن را در مطالعه‌ای که شامل ۱۷۶ نفر بود اجرا کرد. اعتبار آزمون به طریق پایایی آزمون-بازآزمون از 0/97 برای زیر مقیاس جهت‌گیری مذهبی-درک زندگی تا 0/65 برای زیر مقیاس رضایت زناشویی متغیر بود. همچنین بالاترین همسانی درونی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباختعلق به زیر مقیاس تحریف آرمان‌گرایانه با مقدار 0/97 و پایین‌ترین ضریب متعلق به زیرمقیاس خانواده و دوستان با مقدار 0/69 گزارش شدند (بهاور نیا، ۱۳۸۸).

در ایران، در پژوهش مهدویان (۱۳۷۶؛ به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) ضریب همبستگی پیرسون در روش آزمون-باز آزمون (به مدت یک هفته) برای گروه مردان 0/93 و برای گروه زنان 0/94 به دست آمد.

نمونه مورد نظر پژوهش، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای از میان دانشجویان متاهل واحدهای دانشگاه آزاد شهر تهران انتخاب شد و پرسشنامه‌های پژوهش توسط پژوهش‌گر، پس از ارائه توضیح کوتاهی در رابطه با پژوهش و اخذ توافق کتبی پاسخ‌دهنده‌گان و ارائه توضیحاتی در خصوص چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها، در اختیار آنان قرار گرفت و در زمان مقرر پرسشنامه‌ها دریافت گردید.

### یافته‌ها:

به منظور تدوین مدلی برای تبیین رضایت‌مندی زناشویی و بررسی رابطه علی بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی، جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) و رضایت‌مندی زناشویی از مدل معادلات ساختاری یا مدل‌های ساختاری کوواریانس استفاده شد. برپایه

<sup>1</sup>Wadsby

<sup>2</sup>Validity

این مدل‌ها می‌توان فرضیه‌های مربوط به روابط علی بین متغیرها را آزمون کرد. به بیان دیگر، مدل معادلات ساختاری روابط بین شرایط ساختاری معین و مفروض را می‌آزماید.

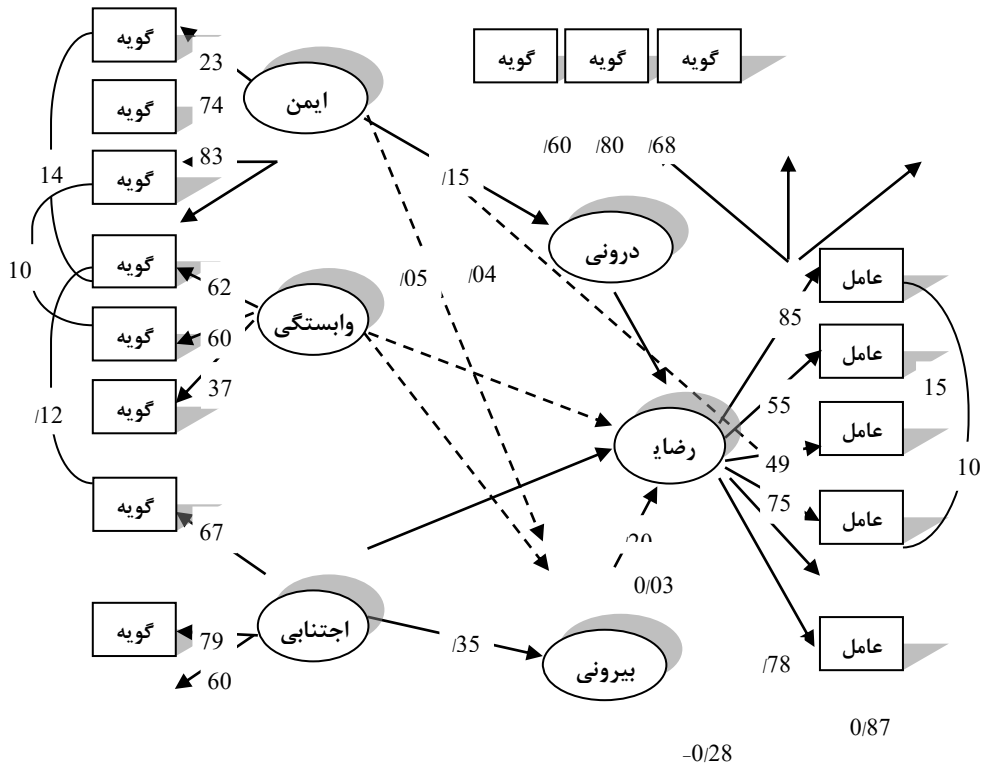
نتایج حاصل از محاسبه ضرایب همبستگی بین متغیرهای برونزای مورد مطالعه (سبک‌های دلبستگی) و متغیرهای درونزا (جهت‌گیری مذهبی و رضایت‌مندی زناشویی) به همراه میانگین و انحراف استاندارد آن‌ها در جدول 1 نشان داده شده است. ضرایب همبستگی متغیرها بیان‌گر آن است که مفروضه نبود هم‌خطی چندگانه برای مدل‌های مورد مطالعه در این پژوهش برقرار است. زیرا بیش‌ترین ضریب همبستگی در این ماتریس برابر با 0/33 (بین دو سبک دلبستگی ایمن و وابستگی) به دست آمده است.

جدول 1 میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش								
6	5	4	3	2	1	SD	M	
					-	21/2	108 114	رضایت‌مندی زناشویی
				-	108* -0	7/46	33/74	جهت‌گیری بیرونی
			-	0/056	110* 0	6/35	31/93	جهت‌گیری درونی
		-	0/022	-0/079	188* 0	4/22	21/11	سبک ایمن
	-	332** 0	0/045	0/024	130* 0	3/91	16/91	سبک وابستگی
-	0/064	0/085	0/012	0/031	0/021	4/72	14/37	سبک اجتنابی

*P 0/05 <	**P < 0/01					
--------------	------------	--	--	--	--	--

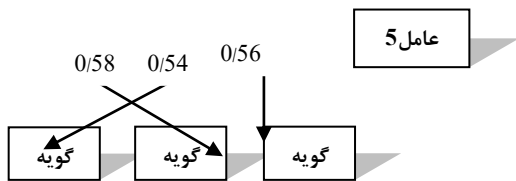
چنان که در جدول 1 دیده می‌شود ضرایب همبستگی رضایت‌مندی زناشویی با سایر متغیرهای پژوهش نسبتاً متوسط و در برخی موارد ضعیف است. رضایت‌مندی زناشویی بیش‌ترین همبستگی ( $r=0/188$ ) را با ادراک سبک ایمن و پس از آن با سبک وابستگی ( $r=0/130$ ) و کم‌ترین همبستگی ( $-0/021$ ) را با دل‌بستگی اجتنابی دارد. مشاهده سایر ضرایب همبستگی در جدول 1 بیان‌گر آن است که دامنه این ضرایب نسبتاً محدود و در بیشتر موارد غیرمعنادار است.

بنابر یافته‌های تجربی و مبانی نظری برای تبیین رضایت‌مندی زناشویی دو متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به عنوان متغیرهای میانجی بر اساس متغیرهای دل‌بستگی در نظر گرفته‌شد. به منظور تعیین روابط ساختاری بین این متغیرها با احساس تنهایی، برای هر یک از متغیرهای دل‌بستگی و جهت‌گیری دینی سه گویه که دارای قوی‌ترین شاخص‌های روان‌سنجی و آماری (مانند بارعاملی، قدرت تشخیص) بودند به عنوان نشان‌گر استفاده‌شد. شش زیرمقیاس متغیر رضایت‌مندی زناشویی نیز به عنوان نشانگر برای این متغیر در نظر گرفته‌شد. نمودار مسیر و شاخص‌های برازش مدل پژوهش در شکل 1 نشان داده‌شده است.



گویه

$\chi^2 = 310.03$   
 $df = 162$   
 $p = 0.001$   
 $CFI = 0.97$   
 $GFI = 0.94$   
 $NFI = 0.93$



شکل 1. نمودار مسیر و شاخص‌های برازش مدل پژوهش. همه ضرایب مسیر، به غیر از مسیرهایی که با نقطه چین مشخص شده، در سطح  $p = 0/01$  معنادار است.  $CFI =$  شاخص برازندگی تطبیقی،  $GFI =$  شاخص برازندگی،  $NFI =$  شاخص برازندگی نرم شده،  $RMSEA =$  ریشه دوم واریانس خطای تقریب

چنان که در شکل 1 دیده می‌شود به غیر از سبک دلبستگی اجتنابی که به گونه مستقیم و منفی ( $0/28 = -4\gamma$ ) بر رضایت‌مندی زناشویی تأثیر دارد، سایر سبک‌های دلبستگی به گونه مستقیم با رضایت زناشویی ارتباط ندارند. به بیان دیگر، افزایش سبک دلبستگی اجتنابی با کاهش رضایت‌مندی زناشویی همراه است. افزون بر این، سبک دلبستگی اجتنابی از طریق متغیر میانجی جهت‌گیری بیرونی نیز می‌تواند رضایت‌مندی زناشویی را تبیین کند ( $0/35 = 20 = 1\beta_4\gamma$ ،  $0 = -$ ). بدین ترتیب هر چه سبک دلبستگی افراد بیشتر اجتنابی باشد، جهت‌گیری دینی آن‌ها بیرونی‌تر و رضایت‌مندی زناشویی در آنان کم‌تر خواهد بود. مسیر تأثیر متغیر سبک وابستگی هم به گونه مستقیم و هم به گونه غیرمستقیم بر رضایت‌مندی زناشویی از لحاظ آماری معنادار به دست نیامد. از سوی دیگر، سبک ایمن نیز تنها از طریق متغیر میانجی جهت‌گیری درونی بر رضایت‌مندی زناشویی تأثیر دارد ( $0/15 = -11 = 1\beta_1\gamma$ ،  $0 =$ ). بدین ترتیب که با افزایش سبک دلبستگی ایمن، جهت‌گیری دینی افراد بیشتر شده و از این طریق رضایت‌مندی زناشویی آن‌ها افزایش می‌یابد.

همان گونه که پیش‌بینی می‌شد، رابطه رضایت‌مندی زناشویی با جهت‌گیری بیرونی منفی ( $1\beta = -0/20$ ) و با جهت‌گیری درونی مثبت ( $1\beta = -0/20$ ) به دست آمد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش جهت‌گیری درونی دینی رضایت‌مندی زناشویی افزایش و با افزایش جهت‌گیری بیرونی دینی رضایت‌مندی زناشویی کاهش می‌یابد.

هر چند شاخص مجذور کای مدل برابر با  $310/03$  و از لحاظ آماری معنادار ( $p < 0/001$ ) به دست آمده، اما نسبت آن به درجه آزادی ( $162$ ) برابر با  $1/91$  و مطابق با ملاک‌های تعیین شده (کم‌تر از 2) است (؟؟). این مطلب در مورد شاخص  $RMSEA$  که برابر با  $0/043$



به دست آمده نیز صادق است و نشان می دهد مدل توسعه یافته به طور کلی از برازش مناسب برخوردار است. سایر شاخص های معتبر ( $GFI = 0/94$ ,  $NFI = 0/93$  و  $CFI = 0/97$ ) نیز نشان از برازش مناسب مدل با داده ها دارد.

چنان که در شکل 1 دیده می شود به منظور برازش مدل با داده ها تلاش شد تا با آزاد کردن برخی پارامترها بر پایه شاخص های تعدیل، مدل بهبود یابد. برای نمونه، بر پایه شاخص های پیشنهادی مدل، پارامترهای  $3,2\delta$  (0/15) و  $5,1\delta$  (0/10) (خطای مشترک اندازه گیری گویه های 2 و 3 و گویه های 1 و 5 رضایت مندی زناشویی) با توجه به مبانی اندازه گیری متغیرها و همبستگی آنها با یکدیگر آزاد شد.

افزون بر این، مقدار مجذور همبستگی چندگانه ( $R^2$ ) برای مدل مورد مطالعه نسبتاً اندک و برابر با 0/27 به دست آمد که نشان می دهد تقریباً 27 درصد واریانس رضایت مندی زناشویی بر پایه مدل پژوهش تبیین می شود.

### بحث و نتیجه گیری :

در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، روابط ساختاری میان سبک های دلبستگی، جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی در همسران مورد بررسی قرار گرفت. یافته های پژوهش از این نکته حمایت می کنند که مدل به دست آمده بر اساس داده ها به طور کلی از برازش مناسب برخوردار است و تقریباً 27 درصد واریانس رضایت مندی زناشویی بر پایه این مدل قابل تبیین است.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که افزایش سبک دلبستگی اجتنابی با کاهش رضایت زناشویی همراه است. از سوی دیگر، جهت گیری مذهبی بیرونی نیز به عنوان متغیر مینجی بر این رابطه تاثیرگذار است. بنابراین هرچه سبک دلبستگی فرد اجتنابی تر باشد، جهت گیری مذهبی وی بیرونی تر بوده و رضایت زناشویی وی کم تر خواهد بود. در ارتباط با مسیر تاثیر سبک دلبستگی و ابستگی، چه به طور مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم

یافته‌های معناداری به دست نیامد. سبک دلبستگی ایمن صرفاً از طریق متغیر میانجی جهت‌گیری درونی بر رضایت زناشویی تاثیرگذار بود. بدین ترتیب با افزایش سبک دلبستگی ایمن، جهت‌گیری فرد بیشتر درونی شده و رضایت زناشویی افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر این که ارتباط مستقیمی بین سبک‌های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی وجود دارد، با حجم انبوهی از ادبیات پژوهشی در این حوزه همسو می‌باشد. برای مثال، بررسی‌های صورت‌گرفته در مورد ویژگی‌های افراد متعلق به سبک‌های مختلف دلبستگی و تاثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و رابطه با همسر موید آن است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج هستند به‌طوری‌که احساس آسودگی در روابط و فقدان ترس از طرد شدن نشان‌دهنده دلبستگی ایمن است. افراد دوسوگرا معمولاً در روابط خود ترس از طرد شدن دارند و افراد اجتنابی در روابط صمیمانه خود احساس آسودگی و راحتی نمی‌کنند (رابین و اولین، 1998).

پژوهش‌های بسیاری از رابطه‌ی میان سبک دلبستگی و رضایت زناشویی حمایت می‌کنند. برخی از تحقیقات تأیید کرده‌اند مردانی که قبل از ازدواج احساس آسودگی بیشتری در روابط خود داشته‌اند، بعد از ازدواج رضایت زناشویی بالاتری را گزارش کرده‌اند (به نقل از رابین و اولین، 1998). پژوهش‌ها حاکی از آنند که افراد ایمن روابط سالم‌تری در بزرگسالی دارند (وکرولی و داویلاس<sup>1</sup>، 1998) در روابط خود پایدار هستند و رضایت بالاتری دارند (فینی و نولر<sup>2</sup>، 1990). در مقابل افراد نایمن در بزرگسالی سطح پایینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می‌دهند (سیمپسون، 1990). بر طبق نتایج برخی پژوهش‌ها ازدواج زن دو سوگرا با شوهر اجتنابی پایین‌ترین حد رضایت زناشویی را به دنبال دارد (به نقل از فینی و نولر، 1990). همچنین همسران افراد ایمن، رضایت بالاتری

<sup>1</sup> Wekerle & Davilas

<sup>2</sup> Feeney & Noller

را گزارش می کنند (وایت وی<sup>۱</sup>، 2001). این همسران عشق و علاقه بیشتری را نسبت به یکدیگر نشان می دهند (وولینگ<sup>۲</sup> و همکاران، 1998).

پژوهش های دیگری وجود کنش های مراقبتی را بین زوج هایی با سبک های دلبستگی متفاوت نشان دادند و نتایج این پژوهش ها نشان می دهد زوج های ایمن مراقبت بیشتری در تعاملات زوجی خود نسبت به همسرانشان نشان می دهند و زوج هایی که مراقبت بیشتری دریافت می کنند، رضایت بیشتری از زندگی خود احساس می کنند (فینی، 1996).

---

<sup>1</sup> .Whiteway

<sup>2</sup> .Volling

## کتابنامه:

- اصغری نژاد، محمد و دانش، عصمت (1384). رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان شادکامی و توافق در مسائل زناشویی در دانشجویان زن متاهل دانشگاه. *مجله تازه ها و پژوهش‌های مشاوره*، 14(4)، 69-90.
- اولیاء، نرگس؛ فاتحی زاده، مریم؛ و بهرامی، فاطمه (1388). *آموزش غنی سازی زندگی زناشویی*. تهران: دانژه.
- بشارت، محمود (1380). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور. *فصلنامه تازه های روان درمانی*، 120 و 19، 55-56.
- بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ و ایروانی، محمود (1380). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی. *مجله روانشناسی*، 19(3)، 277-289.
- تقی‌پاره، فاطمه؛ مظاهری، محمد علی؛ و آزادفلاح، پرویز (1382). بررسی ارتباط سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان. *مجله روانشناسی*، 33، 21-3.
- جان بزرگی، مسعود (1386). جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. *پژوهش در پزشکی*، 31(4)، 345-350.
- حافظی، فریبا، و جامعی نژاد (1388). رابطه بین عشق، عاطفه مثبت، عاطفه منفی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان شرکت ملی حفاری خوزستان. *یافته های نو در روان شناسی*، 4(10)، 41-52.
- حمیدی، فریده (1386). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل دبیری. *فصلنامه خانواده پژوهی*، 9.
- خوانین‌زاده، مرجان؛ اژه‌ای، جواد؛ مظاهری، محمدعلی (1384). مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی. *مجله روانشناسی*، 35(3)، 227-247.

- رجایی، علیرضا؛ نیری، مهدی؛ و صداقتی، شیرین (1386). سبک های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، 3 (12)، 356-347.
- سالاری فر، محمدرضا (1379). مقایسه نظریه خانواده درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در باب خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی. پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- سلیمی، سید حسین؛ آزادمرزآبادی، اسفندیار؛ امیری، ماندانا؛ و تقوی، سید محمدرضا (1387). ابعاد رضایت زناشویی در همسران جانباز. *اندیشه های نوین تربیتی*، 4 (4)، 72-55.
- شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسف علی؛ حقیقی، جمال؛ و شهنی ییلاق، منیجه (1385). بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز. *مجله علوم تربیت و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، 13 (1)، 30-1.
- عیدی، رقیه؛ و خانجانی، زینب (1385). بررسی رضایت زناشویی در سبک های مختلف دلبستگی. *فصلنامه علمی پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز*، 1 (2و3)، 191-165.
- مختاری، عباس؛ اللهیاری، عباسعلی؛ و رسولزاده طباطبایی، سید کاظم (1380). رابطه جهت گیری مذهبی با میزان تنیدگی. *مجله روان شناسی*، 5 (17).
- نیکوی، مریم؛ و سیف، سوسن (1384). بررسی رابطه دین داری با رضایتمندی زناشویی. *تازه های پژوهش و مشاوره*، 4 (13)، 61-79.

- Allport, G.W. & Ross, J.M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of personality and social Psychology*, 5, 432-443.

- Alton, M. & Terzi, S. (2010). How does attachment styles relate to intimate relationship to aggravate the depressive symptoms? *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 1008–1015.
- Collins, N. L., & Read, s. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644 - 663.
- Craddock, A. (1991). Relationships between attitudinal similarity, couple structure, and couple satisfaction within married and de facto couples. *Australian Journal of Psychology*, 43(1), 11-16.
- Edalati, A. & Redzuaun, M. (2010). Perception of Women towards Family values and Their Marital Satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 132-137.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281- 291.
- Feeney, J. A. (1995). *Adult attachment and relationship-centered anxiety: Responses to Physical and emotional distancing*. In J.A. Simpson & W. S. Rholes (eds.), attachment theory and close relationships (pp. 189-218). New York: Guilford.
- Flynn, E. (1987). Relation of marital satisfaction to transcendent values and religious beliefs in married persons. *Dissertation Abstracts International*, 48 (11-B), (UMI No. 8727888)
- Haesley, J. H. (2006). Marital satisfaction among newly married couples: associations with religiosity and romantic attachment style. [Dissertation Prepared for the Degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY]. UNIVERSITY OF NORTH TEXAS
- Henningsgard, J. M. & Arnau, R. C. (2008), Relationships between Religiosity, and Personality: A multivariate analysis, *Personality and Individual Differences* 42, 703-708.
- Hosseinkhanzadeh, A.A., & Niyazi, E. (2011). Investigate relationships between Religious orientation with public health and marital satisfaction among married students of University of Tehran. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 505–509.
- Kirkpatrick, L.A. (1999). Attachment and religious representation and behavior. In J. Cassidy & P.R. Shaver (eds.), *Handbook of Attachment*. New York: Gilford Press.

- Kirkpatrick, L.A. & Shaver, P.R. (1992). An Attachment-Theoretical Approach to Romantic Love and Religious Belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18(3), 266-275.
- Litzinger, S. & CoopGordan, K. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital therapy*, 31(5), 409-424.
- Öztürk, A. & Multu, T. (2010). The relationship between attachment styles, subjective Well-being, happiness and social anxiety among university students. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9, 1772–1776.
- Ozmen, O. & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 367–371.
- Robyn, A.P. & Evelyn, D.S. (1998). Attachment and marital adjustment. *Changing families, challenging futures*, 6<sup>th</sup> Australian Institute of Family studies conference Melborn.
- Rosen-Grandon, J.R., Myers, J. E. & Hattie, J.A. (2004). The Relationship between marital (characteristic, marital interaction process, and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Developmental*, & 2,1,58.
- Rowatt, W.C. & Kirkpatrick, L.A. (2002). *Two dimensions of attachment to God and their relation to affects, religiosity and personality constructs*. Faculty. Wm. edu/IaKirk/roatt.html.
- Shaker, A., Heshmati, R. & Poor Rahimi, M. (2010). Investigation of Marital adjustment in people with secure, preoccupied, dismissing and fearful attachment styles. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1823–1826.
- Sherkat, D.E. (2004). Religious inter marriage in the United States: Trends, patterns, and predictors. *Journal of Social Science Research*, 18, 47-55.
- Simpson, J.A., Rboles, W.S. & Nelligan, G.S. (1998). *Attachment theory and close relationship*. New York: Guilford Press.
- Snow, T. S., & Compton, W. C. (1996). Marital satisfaction and communication in fundamentalist protestant marriages. *Psychological Reports*, 78, 979-985.
- Volling, B., Brend, L., Notaro, P.C. & Larsen, J. (1998). Adult attachment style: Relationship with emotional wellbeing and parenting. *Family Relation*, 4, 135.

- 
- Wekerle, C. & Davilas, A.W. (1998). The role of child maltreatment and attachment style in adolescent relationship violence. *Development and Psychology, 10*, 511-586.
  - Whiteway, M. (2001). *Adult attachment style and their relationship to marital satisfaction in couples in first marriage of seven (7) years or longer*. Submitted in partial fulfillment of the Requirement of the degree of Doctorate of Philosophy. Seton Hall University. [www.Findarticle.com](http://www.Findarticle.com)
  - Wilcox, W.B. & Wolfinger, N.H. (2008). Living and loving “decent”: Religion and relationship quality among urban parents. *Social Science Research, 37( 3)*, 828-843.